



علی اکبر اسدی
پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

موانع و چشم انداز استقلال کردستان عراق

مقدمه

عراق در سالهای پس از ۲۰۰۳ شاهد روندها و تحولات سیاسی و امنیتی جدید و شگرفی بوده است که هر یک در نوع خود از اهمیت و تاثیرگذاری بالایی برخوردار است. در این میان استقلال کردستان عراق و جدایی آن از عراق یکی از موضوعاتی است که در یک دهه اخیر همواره مطرح بوده و دیدگاههای مختلفی در خصوص آن مطرح شده است. موضوع استقلال اکراد به خصوص پس از سیطره داعش بر بخشهای بزرگی از عراق از سال ۲۰۱۴ به صورت جدی تری مطرح شده و مسعود بارزانی به صورت مکرر اقدام به انجام همه پرسی برای استقلال از عراق را مورد تاکید قرار داده است. در وضعیت جدید در شرایطی که عملیات نینوا در حال پایان دادن به سلطه داعش بر بخشهای عمده عراق است، استقلال کردستان به عنوان یکی از اصلی ترین مسائل مورد توجه است. بر این اساس این پرسش مطرح می شود که آیا کردهای عراق با توجه به بسترها و ساختارهای موجود می توانند به آسانی به استقلال دست یابند یا هنوز با موانع مهمی در این خصوص مواجه هستند.

نوشتار حاضر با تاکید بر موانع جدی پیش روی کردهای عراق برای استقلال و جدایی از عراق به تبیین این موانع و در نهایت ارائه چشم انداز احتمالی در این خصوص خواهد پرداخت.

موانع استقلال کردی

کردهای عراق از ابتدای تاسیس عراق تلاشها و مبارزات مختلفی را برای ایجاد سطحی از خودمختاری در قبال دولت مرکزی به انجام رسانده اند و به خصوص از دهه ۱۹۹۰ موفق شدند بسترها و ساختارهای متعددی را برای ایجاد موجودیت سیاسی خودمختار و نسبتا مستقل از بغداد ایجاد کنند. در سالهای پس از ۲۰۰۳ با قانونی شدن نظام فدرالی کردها فراتر از حقوق و شرایط متعارف نظامهای فدرالی به ایجاد اقلیم کردی پرداختند که از ساختارها و توانمندیهای مستقل بسیاری برخوردار است. در این خصوص می توان به ساختارها و ظرفیتهای مستقل کردها در عرصه های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی اشاره کرد. با این حال در اینجا هدف تمرکز بر موانع استقلال کردستان عراق است که در زیر به آنها می پردازیم.

در سوی دیگر حزب دموکرات رویکرد سایر جریانهای کردی و به خصوص "جنبش تغییر" در مخالفت با اعلام استقلال و مراودات خاص منطقه سلیمانیه با بغداد را به عنوان خیانت به آرمان کردی عنوان می‌کنند.

در سطح داخلی عراق اختلافات و مسائل مختلف بین بغداد و اربیل مانع مهمی برای حرکت کردها به سمت استقلال محسوب می‌شود. به رغم ایجاد بسترها و ساختارهای مستقل متعدد از سوی کردها در شمال عراق، دولت مرکزی عراق هنوز خواستار حفظ منطقه کردی در چهارچوب عراق واحد ولو با شیوه‌های مسالمت‌آمیز است و مخالف جدایی کردستان از عراق است. حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور از اهداف و منافع اصلی همه دولت‌هاست و از جمله دولت مرکزی عراق خواستار حفظ کردستان در چهارچوب عراق به عنوان منافع حیاتی خود است. بر این اساس است که گرایشها و درخواستهای استقلال خواهانه کردی با مخالفت و واکنش دولت عراق و گروههای سیاسی مختلف به خصوص دولت قانون روبرو می‌شود. چرا که حرکت کردها به سمت استقلال می‌تواند گروههای دیگر مانند سنیها را به جدایی از عراق تشویق نموده و ضمن تضعیف و کوچک کردن این کشور باعث ورود عراقیها به دوره طولانی از بی‌ثباتی و منازعات درونی شود.

چالشهای اقتصادی و امنیتی

کردستان عراق دارای منابع گسترده انرژی و به خصوص بیش از ۴۰ میلیارد بشکه ذخیره نفتی است. این منابع انرژی ظرفیتهای بالقوه بالایی برای ایجاد دولت کردی است و باعث اقدام کردها به تولید و صدور نفت در طول سالهای پس از ۲۰۰۳ شده است.

اختلافات سیاسی

موانع سیاسی استقلال کردستان عراق را می‌توان در دو سطح درونی اقلیم و عراق مورد بررسی قرار داد. اختلافات و رقابتهای بین جریانهای سیاسی کردی اقلیم اصلی ترین این موانع محسوب می‌شود. در حالی که تمامی جریانهای سیاسی کردی به حق تعیین سرنوشت یا استقلال به عنوان آرمانی تاریخی و قومی می‌نگرند و از آن دفاع می‌کنند، در شرایط کنونی در خصوص زمان، شرایط و سازوکارهای اعلام استقلال اختلافات اساسی بین جریانهای کردی مشهود است. در حالی که حزب دموکرات کردستان اصلی ترین مدافع اعلام استقلال است و رهبران آن خواستار برگزاری همه پرسی استقلال هستند، سایر احزاب و جریانهای کردی زمان کنونی را برای اعلام استقلال مناسب نمی‌دانند و با اشاره به موانع مختلف جدایی از عراق معتقدند اعلام استقلال باعث از دست رفتن بسیاری از دستاوردهای کنونی کردها و تحمیل هزینه های بسیاری بر آنها خواهد شد. به طور مشخص رهبران اتحادیه میهنی حق تعیین سرنوشت را لزوماً به مفهوم جدایی از عراق نمی‌دانند.

مساله مهم دیگر اختلافات سیاسی کنونی بین جریانهای کردی است که بر تداوم ریاست مسعود بارزانی و نحو اداره اقلیم متمرکز است. در این خصوص اتحادیه میهنی، جنبش تغییر و جریانهای اسلامی کردی تداوم ریاست مسعود بارزانی را غیرقانونی دانسته و حزب دموکرات را به تلاش برای انحصارگرایی و سوء استفاده از قدرت و منابع اقتصادی اقلیم به بهانه انسجام درونی و استقلال متهم می‌کنند. در واقع این احزاب شرایط سیاسی و اقتصادی کنونی اقلیم و رویکرد انحصارطلبانه بارزانی ها را به عنوان موانع اصلی اعلام استقلال می‌دانند.

با این حال اقلیم کردی در سالهای اخیر با بحران اقتصادی گسترده ای روبرو شده است. بحرانی که باعث بازگشت آن به سمت بغداد و تلاش برای بهره‌گیری از منابع و کمکهای اقتصادی دولت مرکزی ضمن انجام همکاریهای در عرصه نفتی است. کاهش بهای جهانی نفت، هجوم داعش و ناامنی های گسترده در عراق و هزینه های مرتبط با آن، حضور بیش از یک میلیون آواره عراقی در اقلیم و ناکارآمدی و فساد اقتصادی را می توان اصلی ترین عوامل ایجاد بحران اقتصادی در اقلیم کردستان بر شمرد. بحران اقتصادی کنونی باعث انتقادات، اعتراضات و مشکلات مختلف مالی و اقتصادی مانند عدم پرداخت حقوق کارکنان در اقلیم کردستان شده است. ضمن اینکه باعث بروز رویکردهایی از سوی کردها - مانند تحویل نفت به بغداد در مقابل دریافت بودجه یا ارتباط مستقیم استانهای کردی با بغداد بدون اربیل - شده که حرکت آنها به سمت استقلال را تحت الشعاع قرار می دهد.

در عرصه نظامی و امنیتی کردها در طول دو دهه گذشته توانسته‌اند به سطح بالایی از قدرت نظامی و امنیتی دست یابند. با این حال آنها هنوز با چالشها و مشکلات مهمی در این عرصه روبرو هستند که نشان می دهد توانمندی نظامی لازم برای دفاع یا جنگ در صورت تشکیل دولت کردی مستقل را ندارند. شکاف و دو پارگی در ساختارهای نظامی و امنیتی و تقسیم شدن عملی آن به دو شاخه تحت کنترل حزب دموکرات و اتحادیه میهنی و فقدان تسلیحات سنگین و استراتژیک مهمترین این مشکلات هستند. لذا به نظر می‌رسد کردها بدون حمایت احتمالی خارجی توان مقابله با تهدیدات

نظامی دولت مرکزی یا قدرتهای نظامی خارجی را ندارند.

اختلافات جغرافیایی و مرزی

مناطق مورد مناقشه یکی از مهمترین موضوعات مورد اختلاف اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق در طول سالهای پس از ۲۰۰۳ بوده است. این مناطق در واقع شامل مناطق مختلط جمعیتی در خارج از سه استان اقلیم مانند کرکوک هستند که رهبران کرد مدعی‌اند اکثریت جمعیت آنها را کردها تشکیل می‌دهند و باید به اقلیم کردستان ملحق شوند. قرار بود بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی تا سال ۲۰۰۷ وضعیت این مناطق مشخص شود، اما دشواریهای اجرای این قانون مانع از تعیین تکلیف مناطق مورد نظر شد. بعد از هجوم داعش و شکستهای ارتش عراق نیروهای پیش‌مرگه توانستند بر اغلب این مناطق مسلط شوند و اکنون کردها بر بخش اعظم مناطق مورد مناقشه کنترل نظامی دارند. اما این تسلط و کنترل نظامی مشروعیت قانونی نداشته و در نتیجه مرزهای جغرافیایی کردستان هنوز هم چالشی اساسی بین اربیل و بغداد محسوب می شود. بر این اساس تا زمانی که وضعیت مناطق مورد مناقشه به صورت قانونی و قطعی حل و فصل نشود، کردستان عراق نمی تواند به صورت جدی و مطمئن به سمت استقلال گام بردارد. چرا که هر گونه اقدام کردها در خصوص این مناطق بعد از ایجاد دولت کردی به عنوان مناقشه مرزی بین دو دولت خواهد بود و مشکلات بسیاری را در پی خواهد داشت.

فقدان حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی

یکی از موانع جدی کردها برای اعلام استقلال و جدایی از عراق فقدان هر گونه حمایت منطقه‌ای و

وجود ندارد. از جمله مهمترین دلایل و شواهد این استدلال عبارتند از: مخالفت واشنگتن با اعلام استقلال در دیدارها و به رغم تاکیدات رهبران کرد؛ عدم اعطای تسلیحات سنگین و استراتژیک به افراد از سوی آمریکا به رغم درخواستهای مکرر؛ مخالفت آمریکا با صدور مستقیم نفت از منطقه اقلیم کردستان؛ تلاش واشنگتن برای گفتگو و تعامل بین اربیل و بغداد و عدم گسترش اختلافات؛ و حمایت آمریکا از دولت مرکزی عراق در عرصه های مختلف از جمله اعطای تسلیحات و آموزش نیروهای عراقی به منظور افزایش قدرت بغداد برای اعمال حاکمیت و ثبات سازی.

نتایج و چشم اندازها

بررسی شرایط مختلف کردها نشان می دهد که به رغم فراهم بودن برخی از بسترها و ساختارها برای حرکت کردها به سمت استقلال و جدایی از عراق، هنوز موانع جدی و مهمی وجود دارد که اعلام استقلال کردی را دشوار می سازد. این مساله باعث شده است تا با وجود عملیات روانی و تبلیغات کردی مبنی بر اعلام استقلال و به خصوص تاکیدات مکرر مسعود بارزانی بر برگزاری همه پرسی استقلال، استقلال عینی کردها دائما به تاخیر بیافتد. این وضعیت نشان می دهد که به رغم موانع مختلف استقلال، کردها سعی دارند با تاکید مکرر بر موضوع استقلال و فراهم بودن بسترهای آن ضمن طبیعی جلوه دادن حق تعیین سرنوشت و استقلال با تغییر ذهنیتها به تدریج موانع عینی استقلال را نیز کاهش دهند. اما با وجود موفقیت نسبی کردها در عملیات روانی و آماده سازی اذهان منطقه ای و بین المللی برای اعلام استقلال، در عرصه عمل سه مولفه اصلی

بین المللی از ایجاد دولت کردی است. در واقع هیچ یک از بازیگران منطقه ای و بین المللی در ایجاد دولت کردی یا تجزیه عراق منافع راهبردی و کلانی را برای خود متصور نیستند تا برای تحقق آنها به حمایت قاطعانه از ایجاد دولت کردی دست بزنند. این در حالی است که به اذعان رهبران کرد آنها برای اعلام استقلال به حمایت جدی حداقل یک بازیگر منطقه ای و یک قدرت بین المللی نیاز دارند.

در سطح منطقه سه همسایه اقلیم کردستان یعنی ترکیه، ایران و سوریه به دلیل داشتن اقلیت کردی و آسیب پذیریهای درونی با ایجاد دولت کردی مخالفند. ایران و به خصوص ترکیه به رغم همکاریهای اقتصادی و سیاسی با رهبران کرد در نهایت موافق تجزیه عراق و شکل گیری دولت کردی نیستند. شاید بتوان به رژیم صهیونیستی به عنوان بازیگری اشاره کرد که از آمادگی لازم برای شناسایی و برخی حمایتها از دولت کردی احتمالی برخوردار است. اما منافع ناشی از حضور کردها در دولت مرکزی عراق برای صهیونیستها و همچنین احتمال شکل گیری دولت قدرتمند شیعی در عراق پس از کردها به عنوان تهدیدی برای تلاویو را نیز نباید از نظر دور داشت.

در سطح بین المللی روسیه، چین و اتحادیه اروپا هیچ گونه تمایلی به تجزیه عراق و شکل گیری دولت کردی ندارند. تنها نوع تعاملات آمریکا با کردها و برخی ایده های کلان و نظری (ونه طرحهای عملیاتی) ارائه شده از سوی برخی از آمریکائیهها باعث ایجاد تردیدها و ابهاماتی در خصوص رویکرد آمریکا به استقلال کردستان شده است. با این حال بررسی دقیق مواضع و رفتارهای عملی دولت آمریکا نشان می دهد که هنوز هیچ گونه طرح عملیاتی خاصی برای تجزیه عراق و حمایت از ایجاد دولت کردی در آمریکا

۵ موانع و چشم انداز استقلال کردستان عراق

استقلال کردی در سالهای پیش رو را بسیار دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد: اختلافات داخلی جریانهای کردی که حتی ممکن است به جدایی اربیل و سلیمانیه منجر شده و باعث تشکیل دو اقلیم کردی شود؛ حل نشدن مناطق مورد مناقشه در روابط اربیل و بغداد و چالشهای حل و فصل آن؛ عدم حمایت جدی منطقه‌ای و بین‌المللی از استقلال کردی و تجزیه عراق.

